

شیوه‌های ارتباطی پیامبر(ص) در جنگ‌ها

زهرا طاهری پور^۱

داوودزارعیان^۲

سوداب جهانیان^۳

چکیده

پیامبر اکرم (ص) پس از سیزده سال تبلیغ در مکه، به ناچار این شهر را ترک و به شهر یثرب که بعدها مدینه النبی نام گرفت، هجرت کردند. در شهر مدینه حکومت اسلامی را مطابق با قوانین الهی بنیان نهادند. مشرکان هرگز تحمل استقلال و قدرت گرفتن مسلمانان را نداشتند، از این رو از همان سال اول هجرت، اقدامات خود را علیه حکومت تازه بنیان به کار گرفتند. از جمله این اقدامات جنگ‌های متعددی بود که در سال‌های مختلف روی داد. در این مقاله در صدد بررسی شیوه‌های ارتباطی حضرت در این جنگ‌ها هستیم. بدین منظور کتاب‌های تاریخی الطبقات، سیره النبویه (ابن هشام) و تاریخ یعقوبی از طریق نمونه‌گیری هدفمند با روش تحلیل محتوای کیفی بررسی شده که نتایج حاصل شش مقوله اصلی است و هر کدام شامل تعدادی مقوله فرعی می‌باشند. این شش مقوله شامل شیوه‌های ارتباطی پیامبر (ص)، ویژگی‌های پیامبر (ص) به عنوان منبع پیام، نحوه ارائه پیام، رعایت اصل مخاطب شناسی، چگونگی احترام به ارزش‌های انسانی و تکنیک‌های ارتباطی پیامبر (ص) در جنگ‌ها می‌باشند.

واژگان کلیدی: ارتباط، شیوه‌های ارتباطی، پیامبر (ص)، جنگ‌های پیامبر

(ص).

^۱ استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه سوره، Z.taheripour@yahoo.com

^۲ استادیار، عضو هیئت علمی دانشکده مخابرات، Drzareian@yahoo.com

^۳ کارشناس ارشد تبلیغ و ارتباطات فرهنگی، دانشگاه سوره، Soudabjahanian_psd@yahoo.com

مقدمه

ارتباطات انسانی نیازمند عناصر منبع، پیام و مخاطب است. ارتباط برای دستیابی به یکی از اهداف زیر انجام می‌گیرد: خبر دادن، مطلع کردن، آموزش دادن، تغییر عقیده دادن، گسترش و توسعه رابطه موجود و سرگرمی. ارتباط زمانی با موفقیت روبرو می‌گردد که منبع پیام دارای ویژگی‌هایی باشد تا به باورها و اعتقادات مخاطب دسترس پیدا کند و بازخورد مناسب خود را از ارتباط دریافت نماید. گاهی منبع پیام باید در جایگاه ویژه یک پیامبر قرار بگیرد. پیامبران، برای هدایت نوع بشر با در دست داشتن دستورات از جانب خداوند، هر کدام روشی را برای رسیدن به هدف خود برگزیده‌اند. از جمله می‌توان به رسالت پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص)، اشاره نمود. هدف از نبوت پیامبر (ص) راهنمایی مردم بت پرست به پرستش خداوند بود. اما بعد از سیزده سال پیامبر (ص) به سوی مدینه هجرت کردند. از آن زمان مخالفان آن حضرت به چهار گروه تقسیم می‌شدند؛ پیروان اهل کتاب (مسیحیان، یهودیان و نصارا)، منافقان، قبایل بیابان گرد و قبیله قریش. گاهی حضرت رسول اکرم (ص) در شرایط جنگ با دشمنان قرار می‌گرفتند و ناچار به رویارویی با دشمن می‌شدند. پیامبر مکرم اسلام (ص) در نبردها شیوه‌ها و رفتارهای خاصی داشتند که می‌توان آنها را در تعریف ارتباط گنجانند و از آنجا که به جنگ‌های رسول خدا (ص) تا کنون از دید ارتباطی نگاه نشده است در نتیجه می‌توان با این پژوهش به یک راهبرد عملی دست یافت. نگرش راهبردی و عملی به روش‌های ارتباطی انجام شده در جنگ‌ها توسط رسول اکرم (ص) می‌تواند منجر به شناخت بیشتر رفتارهای ایشان و در نتیجه جلوگیری از پیشامدهای ناگوار و مخرب در جنگ‌ها گردد. پژوهشگر در پی یافتن شیوه‌های ارتباطی حضرت رسول اکرم (ص) و دستیابی به این راهبرد عملی، سه کتاب تاریخی و مورد تأیید تاریخ شناسان اسلامی یعنی سیره النبویه (ابن هشام)، الطبقات و تاریخ یعقوبی را مورد مطالعه قرار داده است و نکات مهم و ارتباطی آنها را در پژوهش حاضر بررسی کرده است.

۲. پیشینه پژوهش

نویسنده به دنبال مرجع و یا منبعی معاصر در مورد پیشینه کارهای انجام شده در زمینه شیوه‌های ارتباطی در جنگ‌های پیامبر (ص)، موفق به یافتن نمونه‌ای شاخص و کلی نگردید. ولی در حیطه رفتارهای ارتباطی پیامبر (ص) به تعدادی مقالات و پایان نامه‌ها دست یافت که از آن مورد می‌توان به این موارد به اختصار اشاره نمود؛ جواد نظری مقدم (۱۳۸۸) در مقاله خود به نام ارتباط شناسی پیامبر (ص) با نگاهی به ابزارها و روش‌های تبلیغی در عهد مدنی، رویکرد و دید ارتباطی ندارد، زیرا تعریفی از ارتباط و تبلیغ و مؤلفه‌های آنها به میان نیاورده است. کریم خانمحمدی (۱۳۸۸)، در "تحلیلی به سیره ارتباطات میان فردی پیامبر اسلام (ص) با رویکردی ارتباطی با روش روانشناسی به دنبال کشف اصول و قواعد ارتباطات میان فردی پیامبر اسلام (ص) مبادرت می‌کند. حمید نگارش (۱۳۸۸) در پژوهش "راهکارهای تبلیغی پیامبر اعظم (ص)" راهکارهای تبلیغی پیامبر (ص) که توسط محقق ارائه شده است در واقع ترکیبی از شیوه‌های ارتباطی و خصوصیات منبع می‌باشد. غلامحسین مهدوی نژاد (۱۳۹۲) در "شیوه‌های تبلیغی پیامبر (ص) روش‌های تبلیغاتی رسول خدا (ص) را در هدف باوری، پایداری، پیشگامی در عمل، مدارا با مردم، ... دانسته است.

۳. مفهوم شناسی

۱،۳ ارتباط

واژه ارتباط از ریشه لاتین به معنای اشتراک نگرفته شده است. مفهوم ارتباط در دایره المعارف عمومی فیشر چنین تعریف شده است: ارتباط در مفهوم گسترده آن، برای بیان هر نوع انتقال اطلاعات به کار می‌رود.^۷ "حکیم آرا" در تعریف ارتباط می‌گوید: فرآیند مشارکتی است که در سایه آن افراد واقعیت‌های اجتماعی را

4 Communication

5 Communis

پدید می‌آورند و نظم می‌دهند.^۸ اما قدیمی‌ترین تعریف برای مفهوم ارتباط را می‌توان در کتاب معانی بیان (ریطویقا) متعلق به ارسطو جست و جو نمود: ارتباط عبارت است از جست و جو برای دست یافتن به کلیه وسایل و امکانات موجود برای ترغیب و اقناع دیگران.^۹

۲,۳ عناصر ارتباط

ارتباطات انسانی به چهار عنصر نیاز دارند که عبارتند از: منبع، پیام، کانال ارتباطی و گیرنده پیام.

۱,۲,۳ منبع - فرستنده پیام^{۱۰}

فرستنده پیام براساس محیط فراگیر خود که حوزه تجربی او را می‌سازد، محتوای مقصود را در ذهن خود بر روی دریافت‌کننده پیام می‌سند و سپس آن را در چهارچوب رمزگذاری خود قرار می‌دهد و به شکل پیام ارسال می‌کند.^{۱۱} فرستنده پیام شروع‌کننده ارتباط می‌باشد.

۲,۲,۳ پیام^{۱۲}

پیام به معنای دقیق کلمه، معنایی است که در فرآیند ارتباط انتقال می‌یابد. در صورتی که علامت یا متن چیزی است که عملاً منتقل شده است. با این حال، معمولاً اصطلاح پیام را در معنایی عام‌تر به کار می‌برند و منظور از آن هر چیزی است که بین فرستنده و گیرنده ردّ و بدل می‌شود.^{۱۳}

۳,۲,۳ مخاطب^{۱۴}

در مطالعات ارتباطی اصطلاح "مخاطب" متناظر و مطابق است با "مقصد"، یا با اصطلاحات دیگری همچون "گیرنده"، "طرف خطاب"، "ارتباط‌گیر" یا "مصرف

۸ حکیم آرا، ارتباطات متقاعدگرانه در تبلیغ: ۲۱۹

۹ محسنیان راد، ارتباط شناسی: ۴۹

1 Sours- Sender 0

۱۱ فرهنگی، مبانی ارتباطات انسانی، ج ۱: ص ۶۱

1 Message 2

۱۳ گیل و آدامز، الفبای ارتباطات: ص ۷۷

1 Audience 4

کننده" که همهٔ اینها دلالت بر هدفی دارند که پیام معطوف به آن است یا مقصد و مقصودش رسیدن به آن است.^{۱۵}

۴,۲,۳ کانال^{۱۶}

کانال ارتباط، اتصالات کارآمدی است که گروه‌های منبع و گیرنده را در یک ساختار ارتباطی که پیام‌ها از طریق آن جریان می‌یابد، به یکدیگر پیوند می‌دهد.^{۱۷}

۳,۳ شیوه‌های ارتباطی

حکیم آرا در کتاب "ارتباط متقاعدگرانه" خود شیوه‌های ارتباطی رایج را نام برده است؛ انتشار کتاب، برگزاری سخنرانی، دعوت حضوری به مذهب، مناظره، شایعه سازی، اشکال مختلف نمایش قدرت و برگزاری دوره‌های محدود آموزش.^{۱۸} سورین و تانکارد نیز برای تبلیغ هفت روش نام برده‌اند: این هفت شیوه تبلیغی، اسم دادن، تنویر و تلطیف، انتقال، تصدیق، مردم ساده، مغالطه و هم‌رنگی با جماعت است.^{۱۹}

۴,۳ جنگ‌های پیامبر(ص)

جنگ‌های پیامبر(ص) با توجه به حضور ایشان، به دو دسته غزوه و سریه تقسیم می‌شود. در اصطلاح به جنگ‌هایی که پیامبر در آن شرکت می‌کرد و امور فرماندهی را به طور مستقیم بر عهده داشت "غزوه" و به جنگ‌هایی که در آنها شرکت نداشت بلکه دسته‌هایی را با تعیین فرمانده به منطقه اعزام می‌کرد "سریه" گویند.^{۲۰}

۴. معرفی منابع

محقق در پژوهش پیش رو مطالب مستند و تاریخی خود را از سه کتاب و منبع معتبر السیره النبویه، الطبقات الکبری و تاریخ یعقوبی به دست آورده است.

۱۵ گیل و آدامز، الفبای ارتباطات: ص ۲۳۳

۱۷ بلیک و هارولد سون، طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات: ص ۲۸

۱۸ حکیم آرا، ارتباطات متقاعدگرانه در تبلیغ: ص ۹۵

۱۹ سورین و تانکارد، نظریه‌های ارتباطات: ص ۱۵۲

۲۰ میرشریفی، درسنامه آشنایی با تاریخ پیامبر اسلام، ج ۱: ص ۱۷۵

کتاب السیره النبویه (ابن هشام) توسط عبدالملک بن هشام، تاریخ نگار قرن سوم، به رشته تحریر درآمده است. این کتاب که تصحیح مغازی سیره ابن اسحاق است، از منابع معتبر و مراجع تاریخی به شمار می‌آید. کتاب الطبقات الکبری اثر محمد بن سعد بغدادی، با موضوع زندگی و سیره پیامبر (ص) و یاران ایشان از دیگر منابع این مقاله می‌باشد. این کتاب مطالب بسیاری درباره سیره نبی اکرم (ص) و اصحاب ایشان نقل کرده است که مرجع مورخان و سیره نویسان متأخر بوده است. تاریخ یعقوبی تألیف "احمد بن ابی یعقوب"، از قدیمی‌ترین کتاب‌های تاریخ عمومی است که خلاصه‌ای از تاریخ جهان از آغاز تا سده سوم را دربر دارد.

۵. یافته‌های پژوهش

حاصل این پژوهش دست‌یابی به شش مقوله است که هر یک به چند مقوله فرعی تقسیم می‌گردد.

۱،۵ شیوه‌های ارتباطی پیامبر (ص)

شیوه‌های ارتباطی به کار گرفته توسط پیامبر (ص) عبارت بودند از:

• توجه به علم آموزی

آموزش یکی دیگر از فعالیت‌هایی است که بر محور ارتباط، اطلاعات و متقاعدسازی استوار است و به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که معمولاً به یادگیری منجر می‌گردد، گرچه همه یادگیری‌ها نتیجه آموزش نیستند. رسول خدا (ص) فدیة آزادی اسرای بی بضاعت را در سواد آموزی به کودکان و انصار قرار داده بودند و این خود اهتمام ایشان به علم آموزی را بازگو می‌کند؛ فدیة اسیران بدر در آن هنگام چهار هزار درهم بود و کمتر، تا بدان جا که برخی از اسیران دارای خط خوبی بودند و چیزی نداشتند فدیة شان آن بود که به دیگران خط بیاموزند.^{۲۲}

• ارتباطات میان فردی

ارتباط میان فردی فرآیندی است که طی آن اطلاعات، معانی و احساسات را

۲۱ حکیم آرا، ارتباطات متقاعدگرانه در تبلیغ: ص ۳۵

۲۲ واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم: ص ۵۷۱

از طریق پیام‌های کلامی و غیر کلامی با دیگران در میان می‌گذاریم.^{۲۳} این نوع ارتباط به ارتباط و مراودات بین دو فرد اطلاق می‌شود و شامل گفت و گو، مصاحبه و مذاکره گروهی است.^{۲۴} فرستادن سفیر به سوی قبیله بنی مدلج، بنی ضمیره... و دعوت آنان به سوی اسلام شیوه‌ای از ارتباطات میان فردی می‌باشد که رسول خدا (ص) به آن مبادرت نمودند؛ غالب بن عبدالله کنانی را بر سر بنی مدلج که هم پیمانان او بودند فرستاد، ...^{۲۵}

• انتقال

انتقال یعنی این که اقتدار، حرمت، و منزلت امری مورد احترام به چیز دیگری برای قابل قبول تر کردن آن منتقل شود.^{۲۶} پیامبر (ص) نام عقاب را که نشانی از بلند پروازی است، بر رایت خود نهادند؛ پیامبر مردم را پند و اندرز داد و رایات را میان آنان پخش کرد و روایات بزرگ مگر در غزوه خیبر نبود و در غزوه‌های دیگر لواء می‌بردند. و هم در این غزوه رایت پیامبر (ص) سیاه بود و نام آن عقاب و پارچه آن از برد یمنی عایشه بود.^{۲۷}

• مذاکره

پیامبر (ص) گرامی اسلام در موارد بسیاری از شیوه مذاکره برای اجتناب از جنگ و درگیری استفاده می‌نمودند و این عمل ایشان گاهی با فرستادن سفیر به سوی دشمن صورت می‌گرفت. مذاکره روشی برای یافتن راه حل اختلافات موجود می‌باشد؛ آنچه سهم من و بنی عبدالمطلب است همه را به شما [مردان هوازن] واگذار می‌کنم و چون من نماز ظهر را خواندم شما برخیزید و بگویید: ما رسول خدا را نزد مسلمین و مسلمین را نزد رسول خدا واسطه و شفیع قرار می‌دهیم که زنان و

۲۳ هارجی و دیگران، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی: ص ۲۰

۲۴ برکو و دیگران، مدیریت ارتباطات: ص ۶

۲۵ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، جلد دوم: ص ۴۳۶

۲۶ سورین و تانکارد، نظریه‌های ارتباطات: ص ۱۶۲

۲۷ واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم: ص ۶۲۷

فرزندانمان را به ما بازگردانید تا من در آن هنگام سهم خود را به شما واگذار کنم و از مردم بخواهم تا آنها را به شما پس دهند.^{۲۸}

• شعر

شعر خوانی از دیر باز در بین قوم عرب مرسوم بوده است قبل از اسلام شاعران شعر خود را به سبک جاهلی می‌سرودند اما ظهور اسلام موجب شد سبک شعرسرایي تغییر نماید. گاهی این شعرها جنبه حماسی داشتند و رسول خدا شاعران حماسی‌گو را می‌ستودند؛ در راه که به طرف خیبر می‌رفتند رسول خدا (ص) به عامر بن أکوع فرمود: ای پسر أکوع فرود آی و برای شتران ما حدی بخوان... رسول خدا (ص) درباره‌اش (عامر بن أکوع) دعا کرده فرمود: خدایت رحمت کند.^{۲۹}

• نامگذاری

در این روش تبلیغی طرفین سعی در بدنام کردن یکدیگر با زدن انگ و برچسب‌های بد دارند. استفاده در اسم دادن در سیاست و دیگر حوزه‌های گفتمان عمومی رایج تر است.^{۳۰} برچسب‌هایی که افراد و گروه‌ها به هم می‌زنند این خاصیت را دارد که مردم را بدون نیاز به اطلاعات زیاد و تفکر مواشکافانه، به سرعت به ارزیابی و نتیجه‌گیری معینی برساند.^{۳۱} حضرت رسول (ص) در جنگ بدر بر بالای چاهی که اجساد کشته شدگان دشمن در آن ریخته شده بود، ندا دادند و نام آنان را یکی یکی صدا زدند و آنها را ساکنین چاه نامیدند و نیز در هنگام فتح مکه به مردم لقب "زشت همسایگان!" را دادند؛ ... سپس گفت: الالبئس جیران الذین کنتم فاذهبوا فانتم الطلقاء، هان چه زشت همسایگانی که شما بودید، بروید که شما آزاد شدگانید.^{۳۲}

• نمایش اشکال قدرت

۲۸ ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص ۳۱۰

۲۹ ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص ۲۲۳

۳۰ سورین و تانکارد، نظریه‌های ارتباطات: ص ۱۵۲

۳۱ حکیم آرا، ارتباطات متقاعدگرانه در تبلیغ: ص ۳۷

۳۲ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، جلد دوم: ص ۴۲۱

رسول خدا (ص) در راستای انجام این مهم، به عنوان نمونه هنگامی که خبر حمله دشمن را می‌شنیدند، با لشکرکشی و حمله به آنها، پیش‌دستی می‌کردند و این گونه قدرت نمایی می‌نمودند. یا با برافروختن آتش‌های فراوان (فتح مکه) و یا تقسیم لشگریان به گروه‌های کوچک‌تر و امر به ورود آنان از چهار جهت به شهر مکه، اقدام به بزرگ جلوه دادن سپاه اسلام می‌کردند؛ سپس لشگر را به چند دسته تقسیم کرد و هر دسته‌ای را مأمور ساخت تا به سرکردگی یک نفر از لشگریان از یک قسمت وارد شهر مکه شوند...^{۳۳}

۲.۵ ویژگی‌های پیامبر (ص) به عنوان منبع ارتباط

منبع پیام باید دارای ویژگی‌ها و صفاتی باشد تا بتواند به اهداف خود برسد. تخصص، دوست داشتنی بودن و قدرت به عنوان سه ویژگی پیامبر (ص) در جنگ‌ها عنوان شده است.

• تخصص

مفهوم تخصص یا خبرگی به مراتب بالایی از آگاهی و تجربه در حوزه معینی دلالت دارد.^{۳۴} تخصص حضرت رسول (ص) در جنگ‌ها شامل مهارت‌های رزمی، شناخت نوع حرکت‌های دشمن، چگونگی شروع حمله، مکان قرار دادن سپاه در میدان نبرد، صف آرایی جنگجویان، ... می‌باشد؛ غزوه احد: در شیخین پیامبر (ص) لشگریان خود را سان دید و گروهی را دستور شرکت در جنگ نداد و بازگردانید.^{۳۵}

• جذابیت

مفهوم جذابیت را می‌توان در ارزش‌های اجتماعی جست و جو کرد. منبع جذاب واجد این ارزش‌هاست. افراد جذاب دوست داشتنی ترند، و "دوست داشتنی"ها (مانند دوستان) متقاعدکننده‌ترند.^{۳۶} حضرت رسول (ص) انسانی رؤف و مهربان

۳۳ ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص ۲۶۹

۳۴ حکیم آرا، ارتباطات متقاعدگرانه در تبلیغ: ص ۲۷۶

۳۵ وافدی، الطبقات الکبری، جلد دوم: ص ۵۸۱

۳۶ حکیم آرا، ارتباطات متقاعدگرانه در تبلیغ: ص ۲۸۱

بودند. در بین مردم به فردی درستکار و راست‌گو معروف بودند. بعد از آنکه در جنگی به پیروزی می‌رسیدند، باز هم در دید مردم همان شخص دوست داشتنی و محبوب بودند. فتح مکه: آنگاه فرمود: شما عقیده دارید که من با شما چه رفتاری دارم؟ پاسخ دادند: (ما جز نیکی گمان دیگری در باره‌ات نداریم) تو برادر کریم و برادرزاده کریم (بزرگوار) ما هستی. رسول خدا (ص) (که این سخن عاجزانه و پوزش طلبانه آنها را شنید) فرمود: بروید که همه تان آزادید.^{۳۷}

• قدرت

قدرت عبارت است از توانایی کنترل آنچه روی می‌دهد. یعنی فرد بتواند آنچه را که می‌خواهد عمل کند و مانع از بروز آنچه که نمی‌خواهد بشود.^{۳۸} اجازه ندادن به شرکت کردن گروه‌هایی از منافقان و کودکان در جنگ‌ها، محاصره دشمن با کمال اقتدار، دلیری، امر به کشتن دشمن، صدور فرمان از نشانه‌های ابراز قدرت توسط پیامبر (ص) می‌باشد؛ غزوه بنی قینقاع: پیامبر (ص) آنان را به شدت در میان گرفت تا آنکه خداوند ترس در دلشان افکند و به فرمان رسول خدا گردن نهادند و بنا بر این نهاده شد که اموال آنان از رسول خدا (م‌سلمانان) با شد و زنان و فرزندان‌شان از آن خودشان.^{۳۹}

۳،۵ نحوه ارائه پیام

نحوه ارائه پیام چگونگی اجرای محتوای پیام را در بر می‌گیرد. بر لو نحوه ارائه پیام را تصمیم‌هایی می‌داند که منبع ارتباط برای انتخاب، تنظیم و ترتیب نمادها و محتوا می‌گیرد.^{۴۰} اذان، دعا کردن، رمز، شکرگذاری و استفاده از نماد از راه‌های ارائه پیام در جنگ‌های حضرت رسول (ص) می‌باشند.

• اذان

۳۷ ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص ۲۷۵

۳۸ برکو و دیگران، مدیریت ارتباطات: ص ۱۶۹

۳۹ واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم: ص ۵۷۴

۴۰ محسنیان راد، ارتباط شناسی: ص ۲۶۰

اذان مشتمل بر جملاتی است که زیر بنای کلی دین اسلام و پایه‌های اعتقادی فرد مسلمان را نشان می‌دهد. حضرت رسول (ص) در هنگام ورود به مکه به بلال فرمودند که بر بام مکه برو و برای نخستین بار در این شهر اذان بگویند: فتح مکه: بلال را فرمود که بر کعبه بالا رود، پس اذان گفت و آن بر قریش بزرگ آمد.^{۴۱}

• دعا کردن

دعا به معنای درخواست است و حضرت رسول (ص) بارها و به کرات دستانشان را به سوی آسمان بلند نمودند و از خداوند برای پیروزی مسلمین در جنگ و یا در هنگام شدید شدن کارزار برای نجات آنان دعا فرمودند. جنگ احد: در این هنگام جمعی از قریش به سرکردگی خالد بن ولید خود را برفراز کوه و بالای سر رسول خدا (ص) رسانیدند، حضرت فرمود: بار خدایا اینها را نرسیده است که بر ما برتری داشته باشند.^{۴۲}

• رمز

گیل و آدامز بیان می‌کنند که: رمزگان نظامی از نشانه‌هاست که قواعدی بین آنها حاکم‌اند و اعضای یک اجتماع در مورد شیوه به کار بردن آن توافق دارند. رمزگان اساساً برای تبادل معناها در زمان و مکان به کار می‌رود.^{۴۳} رسول خدا (ص) علاوه بر شعارهای مناسب جنگ، رمزهایی نیز برای شناسایی سپاه مسلمین از یکدیگر و یا اعلام خطر در نظر می‌گرفتند؛ غزوه خندق یا احزاب: پیامبر (ص) هنگام کندن خندق بیم داشت که ابوسفیان شبیخون کند. از این بود که به مسلمانان فرمود: اگر بر شما شبیخون کردند رمزتان "حم لا ینصران" باشد.^{۴۴}

• شکرگذاری

پیامبر اسلام (ص) در هنگام ورود به مکه سجده شکر به جای آوردند: سپاه

^{۴۱} یعقوبی، تاریخ یعقوبی، جلد دوم: ص ۴۲۱

^{۴۲} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص ۱۱۰

^{۴۳} گیل و آدامز، الفبای ارتباطات: ص: ۱۴۷

^{۴۴} واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم: ص: ۶۰۵

مجهر اسلام هم چنان به سوی مکه پیش می‌رفت، و چون به "دی طوی" رسیدند رسول خدا (ص) (که مکه را در پیش روی خود می‌دید) و فتحی که خداوند نصیبش کرده بود مشاهده می‌کرد دستور توقف داد و همچنان که عمامه‌ای یمانی بر سر داشت، به عنوان سپاسگزاری به درگاه خدای تعالی سر به سجده گذارد.^{۴۵}

• استفاده از نماد

نشانها به دو گروه آیکونیک‌ها و غیر آیکونیک‌ها تقسیم شده‌اند؛ علائمی که در آنها نشانه با معنی [محتوا] ربط دارد که به یونانی آن را آیکون می‌گفته‌اند و قصدشان آن دسته از علائم بود که رابطه‌ای بین شکل و معنی آن وجود داشت. تصویر و عکس اشیا و اشخاص ... ولی در علائم موسیقی یا علائم رقص، بین علامت و مقصود تشابه وجود ندارد. خط مورس، علائم الفبا، نت‌های موسیقی، اینها هم قراردادی (نمادها) یا غیر آیکونیک هستند.^{۴۶} تقریباً در تمامی جنگ‌های پیامبر (ص) از نماد پرچم استفاده شده است؛ سربیه عمرو بن عاص: پیامبر (ص) را خبر رسید که گروهی از قضاعه جمع شده و قصد نزدیک شدن به اطراف مدینه دارند. پیامبر (ص) عمرو بن عاص را فرا خواند و برای او لوائی سپید و رایتی سیاه بست.^{۴۷}

۴,۵ رعایت اصل مخاطب شناسی

شناخت مؤلفه‌های مخاطب به شناخت بهتر مخاطب کمک خواهد کرد. این مؤلفه‌ها عبارتند از هوش، عزت نفس، جنسیت و نیز اصولی دیگر از جنبه‌های روانی و اجتماعی مخاطب مانند: مؤلفه‌های خبرگی و نخبگی مخاطب، ویژگی‌های شخصیتی مخاطب، نظام فکری و چهارچوب‌های اعتقادی مخاطب و موقعیت اجتماعی مخاطب را در برمی‌گیرد.

• هوش مخاطب

طبق تعریف پیاژه، مفهوم هوش، در مقابل ظرفیت‌های غریزی، با مفهوم

^{۴۵} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص: ۲۶۸

^{۴۶} محسنیان راد، ارتباط شناسی: ص: ۱۹۸

^{۴۷} واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم: ص: ۶۴۴

سازگاری با محیط و یافتن راه‌های مناسب انطباق دارد؛^{۴۸} غالب بن عبدالله کنانی را بر سر بنی مدلیج که هم پیمانان او بودند فرستاد، ... پس گفتند نه بر توام و نه با تو. و او را پاسخ ندادند، پس مردم گفتند: ای رسول خدا با آنها نبرد کن. ... گفت: همانا ایشان را سروری با ادب است که جز به بهترین کارها دست نمی‌برد...^{۴۹} منظور از "دست بردن به بهترین کارها" اشاره به هوش رییس قبیله بنی مدلیج است.

• عزت نفس

یک متغیر شخصیتی که وابستگی کاملی با قابلیت متقاعد شدن شخص دارد، عزت نفس است. افرادی که خود را دست کم می‌گیرند، آسان‌تر تحت تأثیر پیام متقاعد ساز قرار می‌گیرند تا افرادی که درباره خود نظر مثبتی دارند؛^{۵۰} میله بن عبدالله لیثی را به سوی بنی ضمیره فرستاد. پس نزد رسول خدا بازگشت و گفت: ای رسول خدا گفتند: نه با او می‌جنگیم و نه می‌سازیم و نه او را باور می‌کنیم و نه دروغگو می‌شماریم. پس مردم گفتند: ای رسول خدا با آنان جنگ کن. پس گفت: ... ایشان را واگذارید که در ایشان فزونی و سروری است و بسا پیرمردی شایسته کار از بنی ضمیره که مجاهد راه خدا ست.^{۵۱} پیامبر(ص) نپذیرفتن اسلام را در اولین برخورد نشانی از عزت نفس قبیله بنی ضمیره دانستند.

• جنسیت

زنان طی یادگیری اجتماعی بدین خو گرفته‌اند که اجتماعی باشند، با جامعه هم‌نوایی کنند و در برابر نفوذ اجتماعی انعطاف نشان دهند. در مقایسه، مردان به گونه‌ای اجتماعی شده‌اند که خود ابرازگر و به نسبت مستقل باشند، روی پای خود بایستند و بتوانند خود و خواسته‌های خود را مطرح کنند.^{۵۲} بر خورد پیامبر(ص) در مقابل خواهر رضاعی خود نمونه‌ای از توجه ایشان به جنسیت زنان است؛ شیما دختر

^{۴۸} منصور. روانشناسی ژنتیک، تحول روانی از کودکی تا پیری: ص: ۱۲۴

^{۴۹} یعقوبی، تاریخ یعقوبی، جلد دوم: ص: ۴۳۶

^{۵۰} ارونسون، روانشناسی اجتماعی، ص: ۱۲۵

^{۵۱} یعقوبی، تاریخ یعقوبی، جلد دوم، ص: ۴۳۶-۴۳۷

^{۵۲} حکیم آرا، ارتباطات متقاعدگرانه در تبلیغ، ص: ۳۵۲

حلیمه، خواهر ر ضاعی ر سول خدا نزد آن بزرگوار آمد پس به او بخشش کرد و او را گرامی بداشت و عباى خود را برای او پهن کرد، آنگاه با رسول خدا درباره اسیران سخن گفت و گفت: راستی که اینان خاله‌ها و خواهران توند. رسول خدا گفت: آنچه مرا و بنی هاشم راست، آن را به تو می‌بخشم. پس مسلمانان مانند او همه اسیرانی را که در بند داشتند بخشیدند.^{۵۳}

• توجه به خبرگی و نخبگی مخاطب

مخاطبان خبره علاوه بر داشتن اطلاعات وسیع در مورد موضوع، آگاهی به جزئیات را نیز دارا هستند. وقتی موضوع پیام در حوزه‌ای باشد که مخاطب درباره آن اطلاعات کافی دارد (توانایی) هدفمندی (انگیزه) وی به هنگام پردازش می‌تواند بر شیوه پردازش اطلاعات مؤثر باشد؛^{۵۴} غالب بن عبدالله کنانی را بر سر بنی مدلیج که هم پیمانان او بودند فرستاد، ... پس گفتند نه بر توام و نه با تو. و او را پاسخ ندادند، پس مردم گفتند: ای رسول خدا با آنها نبرد کن. ... گفت: همانا ایشان را سروری با ادب است که جز به بهترین کارها دست نمی‌برد، و اینان هرگاه شتر می‌کشند خون روان می‌سازند، و هرگاه لبیک گویند فریاد می‌زنند. بسا جنگجویی از بنی مدلیج که کشته راه خدا است.^{۵۵}

• ویژگی‌های شخصیتی و چهارچوب‌های اعتقادی مخاطب

توجه پیامبر (ص) به ویژگی‌های شخصیتی و چهارچوب‌های اعتقادی، موجب گردید امتیازهایی به ابوسفیان در هنگام فتح مکه در قبال ایمان آوردنش به اسلام بدهند؛ ابوسفیان به ناچار مسلمان شد. عباس به رسول خدا (ص) عرض کرد یا رسول الله ابوسفیان مردی جاه طلب و فخر دوست است برای او امتیازی قائل شوید. رسول خدا (ص) فرمود: آری، هرکس به خانه ابوسفیان رود در امان است و هر کس در

^{۵۳} یعقوبی، تاریخ یعقوبی، جلد دوم، ص: ۴۲۵

^{۵۴} حکیم آرا، ارتباطات متقاعدگرانه در تبلیغ، ص: ۳۴۵

^{۵۵} یعقوبی، تاریخ یعقوبی، جلد دوم، ص: ۴۳۶

خانه‌اش را ببندد در امان است، و هر کس به مسجدالحرام پناه ببرد در امان است!^{۵۶}

۵.۵ احترام به ارزش‌های انسانی

هر کسی به درجاتی ارزش‌ها را در خود می‌پروراند، اما فقط یکی دوتای آنها بر شخصیت فرد سیطره دارند. در مقایسه با نگرش‌ها که ارزیابی‌های به نسبت پایدار هستند، ارزش‌ها نظامی از باورهای به نسبت پایدار هستند که از انسجام و روابط درونی برخوردارند.^{۵۷} رعایت ارزش‌ها توسط رسول خدا (ص) در جنگ‌ها شامل هر دو گروه دوست و دشمن می‌گردد.

• اخلاق مداری

اجازه آب خوردن به دشمن از چاه‌های تحت تصرف مسلمان در غزوه بدر، سفارش به نیکی کردن به اسرا، نهی از مثله کردن کشتگان دشمن، سفارش به در نظر گرفتن احساسات اسرا، نکشتن مردم هنگام فتح مکه... نمونه‌هایی از رعایت ارزش‌های اخلاقی پیامبر (ص) در جنگ‌ها می‌باشد؛ رسول خدا (ص) اسیران قریش را ما بین اصحاب و مسلمانان پخش کرده و به آنها سفارش فرموده با نیکی نسبت بدان‌ها رفتار شود.^{۵۸}

• تعهد

التزام و پایبندی به پیمان‌ها و وعده‌های جزو تعهدهای رعایت شده توسط پیامبر (ص) می‌باشد؛ سعدبن ابی وقاص را به فرماندهی سریه خرار که آبی است از جحفه مأمور داشت، پس به چارپایان بنی ضمیره دست یافت و آنان را نزد رسول خدا فرستاد، پس به پیمانی که میان ایشان و پیغمبر بود، آنها را باز فرستاد.^{۵۹}

• دلجویی

رعایت اصل تألیف قلوب برای گروهی نامفهوم بود و رسول خدا (ص) در پاسخ

^{۵۶} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص: ۲۶۷

^{۵۷} حکیم آرا، ارتباطات متقاعدگرانه در تبلیغ، ص: ۱۲۴

^{۵۸} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم، ص: ۴۳

^{۵۹} یعقوبی، تاریخ یعقوبی، جلد دوم، ص: ۴۳۱

به یکی از آنان که از انصار بودند از وی دلجویی نمودند؛ غزوه طائف: مردی از اصحاب رسول خدا (ص) عرض کرد: یا رسول الله به عیینة بن حصن و اقرع بن حابس به هر یک صد شتر دادی ولی به جعیل بن سراقه (یکی از بزرگان قبیله غفار) هیچ ندادی؟ حضرت فرمود: سوگند بدان که جان محمد به دست اوست جعیل بن سراقه به تنهایی نزد من بهتر است از تمامی روی زمین که همگی آنها مردمی چون عیینة بن حصن و اقرع بن حابس باشند ولی من این کار را کردم به خاطر آنکه دل آنها را به دست آورم تا اسلام آورند و اما جعیل بن سراقه را به همان اسلامی که دارد واگذار کردم.^{۶۰}

• صبر و بردباری

پیامبر (ص) در راه خداوند و اسلام مشقت‌ها را تحمل نمودند و همواره در این راه صبر پیشه نمودند؛ در مقابل رسول خدا (ص) به جست و جوی کشته حمزه به راه افتاد تا اینکه او را در وسط دره پیدا کرد و مشاهده نمود که شکم و جگرش را دریده‌اند و گوش و بینی آن جناب را بریده و مثله کرده‌اند. ... آن حضرت گفتند: اگر روزی خداوند مرا بر قریش مسلط کند سی نفر از مردان ایشان را مثله می‌کنم! و پس از نزول این آیه [آیه ۱۲۶ سوره انفال] از مثله کردن نهی فرمود و بردباری پیشه کرد.^{۶۱}

• گذشت و فداکاری

آزادی گروهی از اسیران فقیر بدون فدیة و یا دریافت فدیة فراخور حال آنها از جمله فداکاری و گذشت رسول خدا (ص) در جنگ‌ها می‌باشد؛ فدیة آزادی اسیران یکسان نبود. برخی چهار هزار درهم و برخی سه هزار درهم و دو هزار درهم پرداختند و برخی از ایشان را که مالی نداشتند پیامبر (ص) محبت فرموده منت نهاد و بی دریافت فدیة آزاد فرمود که از جمله ایشان ابوعزه جمحی بود.^{۶۲}

• مشارکت و همکاری

^{۶۰} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص: ۳۱۵-۳۱۶

^{۶۱} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص: ۱۱۸-۱۱۹

^{۶۲} واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم، ص: ۵۶۹

پیامبر (ص) خدا در جنگ خندق در امر کندن خندق به مسلمانان یاری می‌رساندند. نیز در هنگام شتر سواری در راه جنگ بدر نوبت را رعایت می‌نمودند؛ ابولبابه و علی (ع) با پیامبر (ص) شریک بودند و چون نوبت پیاده روی پیامبر (ص) می‌شد آن دو می‌گفتند: شما هم چنان سوار با شید و ما پیاده می‌آییم. پیامبر (ص) می‌فرمود: نه شما در پیاده روی قوی‌تر از من اید و نه من برای رسیدن به ثواب و اجر از شما بی‌نیازتر.^{۶۳}

• مشورت و همفکری

پیامبر (ص) بزرگ اسلام با وجودی که خود فرماندهی متخصص بودند ولی در امور جنگی با یاران مشورت می‌نمودند؛ پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ده و اندی شب را در محاصره بودند و کار دشوار آمد و پیامبر (ص) دل بر آن نهاد که با پرداخت یک سوّم محصول خرماى مدینه با غطفان صلح کند و آنان مشرکان را از ادامه جنگ باز دارند ولی انصار با این پیشنهاد هم‌داستانی نکردند و پیامبر (ص) هم از آهنگ خود چشم پوشید.^{۶۴}

• همدردی و دلسوزی

پیامبر (ص) انسانی رئوف بودند و هرگز به درد کشیدن دیگران راضی نبودند؛ در آن شبی که عباس ا سیر بود، رسول خدا فرمود: ام شب ناله عباس عموی من که در بند است مرا بیدار داشته است.^{۶۵}

۶,۵ تکنیک‌های ارتباطی

تکنیک‌های ارتباطی، روش‌های ارسال پیام از طریق ابزارهای ارتباطی می‌باشد. نامه و سخن گفتن نوعی ابزار ارتباطی محسوب می‌شود.

• اخطار

^{۶۳} واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم: ص: ۵۶۹

^{۶۴} واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم، ص: ۶۰۲

^{۶۵} یعقوبی، تاریخ یعقوبی، جلد دوم، ص: ۴۰۵

پیامبر (ص) با اخطار دادن در واقع به انجام ندادن برخی امور امر و نهی می‌فرمودند؛ بلال را فرمود که بر کعبه بالا رود، پس اذان گفت و آن بر قریش بزرگ آمد و عکرمه بن ابی جهل و خالد بن اسید گفتند: راستی پسر رباح روی کعبه صدای خر می‌کند. و مردمی همراه آن دو به سخن آمدند. پس رسول خدا نزد آنان فرستاد و گفتند: راستی گفتیم و از خدا آمرزش می‌خواهیم، رسول خدا گفت: نمی‌دانم به شما چه بگویم، لیکن نماز می‌رسد پس هر کس نماز بخواند به راه اسلام است و گرنه او را پیش دارم و گردنش را بزنم.^{۶۶}

• ارسال نامه

قبل از جنگ أحد عباس عموی حضرت محمد (ص) ایشان را از حمله اهل مکه به سوی مدینه خبردار نمود؛ عباس بن عبدالمطلب این اخبار [مهمیاً شدن مشرکان برای جنگ با مسلمانان] را برای پیامبر (ص) نوشت.^{۶۷}

• ارباب

ارباب از شیوه‌های جنگ روانی است. پیامبر (ص) هنگام فتح مکه دستور فرمودند که افراد آتش‌های بسیار روشن کنند تا بدین وسیله رعب در دل آنان بیفکنند؛ در این بین صدای ابوسفیان و بدیل بن ورقاء به گوشش خورد که به سوی مکه می‌رفتند و گفت‌وگو می‌کردند و ابوسفیان (آتش‌های زیادی که لشکر رسول خدا (ص) روشن کرده بودند ولی نفهمیده بود که آنها کیستند و برای چه به آن سرزمین آمده‌اند) از این رو به بدیل می‌گفت: به خدا من تا کنون این همه آتش و این قدر لشکر ندیده بودم.^{۶۸}

• اعتماد به یاران

مقوله اعتماد به یاران توسط پیامبر (ص) را باید در تعیین فرمانده در سریه‌ها مشاهده نمود؛ پیامبر (ص) را خبر رسید که گروهی از قضاعه جمع شده و قصد

^{۶۶} یعقوبی، تاریخ یعقوبی، جلد دوم، ص: ۴۲۱

^{۶۷} واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم، ص: ۵۷۹

^{۶۸} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم، ص ۲۶۴

نزدیک شدن به اطراف مدینه دارند. پیامبر (ص) عمرو بن عاص را فرا خواند و برای او لوائی سپید و رایتی سیاه بست.^{۶۹}

• انعقاد صلح نامه

انعقاد صلح نامه دارای فوایدی برای سپاه اسلام بود؛ اجتناب از جنگ، جلوگیری از شرارت‌های یهودیان و افزودن بر تعداد هم پیمانان و دوستان؛ در همین غزوه [ذوالعشیره] بود که پیامبر (ص) با بنی مدلج و هم پیمانان آنها که از بنی ضمیره بودند پیمان بست و به مدینه باز گردید.^{۷۰}

• به کار بردن آرایه‌های ادبی

تشبیه نشان داد اشتراک چیزی با چیز دیگر در یک معنا، قرار دادن همانندی بین دو چیز یا بیش از آن که اشتراک آنها در یک صفت یا بیشتر از یک صفت متصور است.^۱ دوباره رو به آن دو کرده پرسید: از اشراف و بزرگان قریش چه کسانی در میان ایشان هست؟ گفتند: عتبه بن ربیع، شیبه برادرش، ابوالبحری بن هشام، حکیم بن حزام، نوفل بن خویلد، حارث بن عامر، ... رسول خدا (ص) که نام این عده را شنید رو به مسلمانان کرده فرمود: مکه جگر گوشه‌های خود را به سوی شما فرستاده است!^۲ پیامبر (ص) عزیزان را به جگر گوشه تشبیه نمودند.

• بیزاری جستن

خالد د ستور داد همگی (قبیله بنی جزیمه) را د ستگیر کرده دست‌ها شان را بستند و آنها را گردن زدند، و چون این خبر بر رسول خدا (ص) رسید به شدت ناراحت شده دست به سوی آسمان بلند کرد و گفت: بار خدایا من از عمل خالد بن ولید به سوی تو بیزاری می‌جویم.^{۷۳}

^{۶۹} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص ۶۶۴

^{۷۰} واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم: ص: ۵۶۰

^{۷۱} التفتازانی، عنصرالمعانی، ص: ۱۸۸

^{۷۲} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص ۱۴

^{۷۳} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص ۲۸۵

• تألیف قلوب

تألیف به معنای پیوند دادن معنوی دو چیز به هم است. این واژه و هم خانواده‌های آن در قرآن مجید نیز به این معنا استعمال شده‌اند: رسول خدا (ص) شروع به تقسیم غنائم کرده به اشراف و بزرگانی که (تازه مسلمان شده بودند و یا مشرکینی که به آن حضرت کمک کرده بودند) و به "مؤلفه قلوبهم" موسوم شدند بیش از دیگران داد تا سبب جلب خاطر آنها و قبیله و فامیلشان گردد (بدین وسیله دلی از آنها به دست آورد).^{۷۵} باسفیان یکی از این مؤلفان قلوب بود.

• تشجیع

پیامبر (ص) در بسیاری از موارد با ایجاد انگیزه، شور و هیجان در کارزار نبرد، یاران را به سوی جنگ تشویق می‌نمودند تکبیر گفتن یکی از راه‌های ایجاد تشجیع است؛... رسول خدا (ص) برای مهاجران شعار "یا بنی عبدالرحمان" و برای خزرجیان شعار "یا بنی عبدالله" و برای اوسیان شعار "یا بنی عبدالله" را معین فرمود. و گفته‌اند که شعار همه مسلمانان "یا منصور امت" بود.^{۷۶}

• تضعیف و تخدیر

تضعیف و تخدیر (کند کردن) از شیوه‌های جنگ روانی پیامبر (ص) بود که ایشان با گرفتن اموال دشمن، بیرون راندن آنان از مدینه و یا بیرون راندن یهودیان از محل زندگی شان سعی در تضعیف و کند کردن دشمن می‌نمودند. غزوه بنی نضیر: پیامبر (ص) بنی نضیر را تبعید کرد و فرمود: بروید که این نخستین تبعید است و من از پی شمایم.^{۷۷}

• تطمیع

^{۷۴} سوره آل عمران/ آیه ۱۰۳

^{۷۵} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص ۳۱۴

^{۷۶} واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم: ص: ۵۶۴

^{۷۷} واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم: ص: ۵۹۵

تحریک و تحریض دیگران از طریق طمع و دادن پیشنهادات مادی به آنها در جهت منافع خود تطمیع گفته می‌شود. پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ده و اندی شب را در محاصره بودند و کار دشوار آمد و پیامبر (ص) دل بر آن نهاد که با پرداخت یک سوّم محصول خرماى مدینه با غطفان صلح کند و آنان مشرکان را از ادامه جنگ باز دارند ولی انصار با این پیشنهاد هم داستانی نکردند و پیامبر (ص) هم از آهنگ خود چشم پوشید.^{۷۸}

• سرزنش

هنگامی که در جنگ بدر یکی از یاران سخنی زشت در مورد مردی اعرابی رهگذر بر زبان آورد مورد سرزنش رسول خدا (ص) قرار گرفت؛ رسول خدا (ص) رو به سلمه کرده فرمود: آرام باش، و دهان از این سخنان هرزه ببند! آنگاه روی خویش از سلمه بگردانده به راه خویش ادامه داد.^{۷۹}

• سؤال از مخاطب

پرسش یکی از رایج ترین و در عین حال یکی ساده‌ترین مهارت‌هاست. پرسش و تقویت جزء مهارت‌های اصلی تعامل اجتماعی است...مهمترین شکل تعامل انسانی، ارتباطی است که بر مبنای پرسش و پاسخ پی‌ریزی شود. پرسش نوعی مطالبه اطلاعات است (چه اطلاعات حقیقی و چه انواع دیگر اطلاعات). این مطالبه اطلاعات می‌تواند به صورت کلامی یا غیر کلامی باشد؛ آنگاه فرمود: شما عقیده دارید که من با شما چه رفتاری دارم؟ پاسخ دادند: (ما جز نیکی گمان دیگری درباره‌ات نداریم) تو برادر کریم و برادرزاده کریم (بزرگوار) ما هستی...رسول خدا (ص) (که این سخن عاجزانه و پوزش طلبانه آنها را شنید) فرمود: بروید که همه تان آزادید.^{۸۱}

• صدای رسا

^{۷۸} واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم: ص: ۶۰۲

^{۷۹} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص ۹

^{۸۰} هارجی و دیگران، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ص: ۱۱۰

^{۸۱} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص ۲۷۵

می‌توان استفاده از صدای رسا را یک تکنیک نامید. همین که آن حضرت مشاهده کرد مردم پا به فرار گذاشتند. به من [عباس بن عبدالمطلب] فرمود: ای عباس صدای مردم بزن و بگو: ای گروه انصار! ای بیعت کنندگان در زیر درخت! (عباس به دستور آن حضرت آنان را صدا زد) آنها پاسخ صدا را داده فریاد زدند: لبیک! لبیک!^{۸۲}

• فریب

پیامبر (ص) در هنگام جنگ احزاب جاسوسانی برای تفرقه انداختن به میان دشمن فرستادند؛ در آن وقتی که کار به نهایت درجه شدت و سختی رسیده بود [نعیم بن مسعود، یکی از یهودیان سپاه قریش] خود را به رسول خدا (ص) رسانده و عرض کرد: یا رسول الله من مسلمان شده‌ام ولی قوم من از این جریان اطلاعی ندارند اکنون هر خدمتی از من ساخته باشد انجام می‌دهم. رسول خدا (ص) فرمود: تو یک نفر بیش نیستی ولی اگر بتوانی به وسیله‌ای میان لشکر دشمن اختلاف بینداز زیرا نیرنگ در جنگ‌ها به کار رود.^{۸۳}

• غیب‌گویی

غیب‌گویی پیامبر (ص) نشأت گرفته از علم بی پایان خداوند بود؛ غزوه بنی المصطلق: [پدر جوریه] بدان حضرت عرض کرد این شتران را به عنوان فدیّه برای دخترم آورده‌ام تا او را آزاد کنید. رسول خدا (ص) فرمود: پس آن دو شتری را که در فلان درّه عقیق پنهان کردی چرا با خود نیاوردی؟ حارث از این خبر غیب دانست که او پیامبر الهی است و فوراً مسلمان شد و دو پسر او و جمعی دیگر از قبیله‌اش نیز مسلمان شدند.^{۸۴}

• کسب اطلاعات

^{۸۲} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص: ۲۹۵

^{۸۳} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص: ۱۶۸

^{۸۴} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص: ۲۰۰

پیامبر (ص) مواظب دشمنان بودند و اطلاعات از دشمن کسب می‌کردند؛ در [محل "عرق الظبیه"] به مرد عربی برخوردند از او کسب اطلاع کاروان را کردند ولی او اظهار بی اطلاعی کرد.^{۸۵}

• کمک از آیات قرآن

و خداوند متعال بر پیامبر خود این آیه را نازل فرمود: و اگر بترسی از قومی به خیانتی، پیمان ایشان را با مساوات لغو کن و ببنداز که خداوند دوست ندارد خیانتکاران^{۸۶} و پیامبر (ص) فرمود: من از بنی قینقاع بیمناکم، و با نزول این آیه روی به جانب ایشان نهاد.^{۸۷}

• مبارزه با رسومات جاهلی

رسول خدا (ص) در عین احترام گذاردن به دیگران از رسومات جاهلی بیزار بودند؛ در فتح مکه فرمودند: هان هر خونی و مالی و افتخار موروثی که در جاهلیت بود، زیر این دو پای من نهاده شده.^{۸۸}

• موعظه

موعظه و اندرز توسط پیامبر (ص) را می‌توان در تمام امور و در جنگ مشاهده نمود؛ غزوه خیبر: پیامبر مردم را پند و اندرز داد...^{۸۹}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^{۸۵} ابن هشام، زندگانی حضرت محمد جلد دوم: ص: ۹

^{۸۶} سوره انفال / آیه ۵۸

^{۸۷} واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم: ص: ۵۷۳

^{۸۸} یعقوبی، تاریخ یعقوبی، جلد دوم، ص: ۲۲۱

^{۸۹} واقدی، الطبقات الکبری، جلد دوم: ص: ۶۲۷

نتیجه گیری

در این مقاله در پی شناخت روش شیوه‌های ارتباطی حضرت محمد (ص)، شش مقوله اصلی استخراج شد که هر کدام از این مقوله‌ها شامل چند مقوله فرعی است؛

- شیوه‌های ارتباطی پیامبر (ص) در جنگ‌ها که آموزش، ارتباطات میان فردی، انتقال، مجادله، مذاکره، شعر، نامگذاری و نمایش اشکال قدرت را شامل شده است.

- ویژگی‌های پیامبر (ص) به عنوان منبع ارتباط در جنگ‌ها که تخصص و قدرت را مشتمل شده است.

- نحوه ارائه پیام توسط پیامبر (ص) در جنگ‌ها شامل اذان گفتن، دعا کردن، به کار بردن رمز، شکرگذاری و نماد است.

- چگونگی رعایت اصل مخاطب شناسی توسط رسول خدا (ص) در جنگ‌ها شامل توجه به خبرگی و نخبگی، ویژگی‌های شخصیتی، نظام فکری و چهارچوب‌های اعتقادی، هوش، عزت نفس و جنسیت مخاطب است.

- احترام به ارزش‌های انسانی در جنگ‌های پیامبر (ص) اخلاق مداری، تعهد، دلجویی، حفظ منافع خود و ذی نفعان، صبر و بردباری، گذشت و فداکاری، مشارکت و همکاری، همدردی و دلسوزی را مشتمل شده است.

- تکنیک‌های ارتباطی پیامبر (ص) در جنگ‌ها اخطار، ارسال نامه، ارباب، اعتماد به یاران، انعقاد صلح نامه، به کار بردن آرایه‌های ادبی، بیزاری جستن، تألیف قلوب، تشجیع، تضعیف و تخدیر، سرزنش، سؤال از مخاطب، صدای رسا، فریب، غیب‌گویی، کسب اطلاعات، کمک از آیات قرآن، مبارزه با رسومات جاهلی و موعظه می‌باشد.

منابع

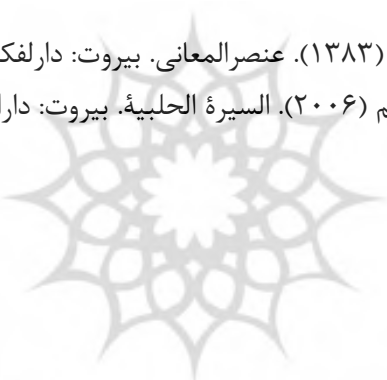
۱. ابن ه‌شام، عبدالملک (۱۳۸۵). زندگانی حضرت محمد (ص)، جلد دوم. ترجمه: هاشم رسولی محلاتی. تهران: انتشارات کتابچی.
۲. ارونسون، الیوت (۱۹۹۹). روانشناسی اجتماعی. ترجمه: حسین شکر کن (۱۳۹۶). تهران: انتشارات رشد.
۳. برکو، ری ام، آندرو دی ولوین و دارلین آر ولوین (۱۳۹۳). مدیریت ارتباطات. ترجمه: محمد اعرابی و داوود ایزدی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۴. بلیک، رید و ادوین هارولد سن (۱۳۹۰). طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات. ترجمه: مسعود اوحدی. تهران: انتشارات سروش
۵. حکیم آرا، محمد علی (۱۳۹۳). ارتباطات متقاعدگرانه در تبلیغ. تهران: انتشارات سمت.
۶. دادگران، محمد (۱۳۹۲). مبانی ارتباطات جمعی. تهران: انتشارات فیروزه.
۷. سورین، جی ورنر و جیمز تانکارد (۱۹۹۲). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه: علی رضا دهقان (۱۳۹۷). تهران: انتشارات سمت.
۸. شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱) فقه سیاسی اسلام. قم: موسسه بوستان کتاب.
۹. فرهنگی، علی اکبر (۱۳۸۷) مبانی ارتباطات انسانی، ج ۱. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۱۰. کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود (۱۹۹۰). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه: عبدالحسین نیک گهر (۱۳۹۱). تهران: نشر توتیا.
۱۱. گیل، دیوید و بریجت آدامز (۱۳۸۴). الفبای ارتباطات. ترجمه: رامین کریمیان، مهران مهاجری و محمد نبوی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۲. محسنیان راد، مهدی (۱۳۹۶). ارتباط شناسی. تهران: انتشارات سروش.
۱۳. منصور، محمود (۱۳۶۹). روانشناسی ژنتیک، تحول روانی از کودکی تا پیری. تهران: نشر ترمه.
۱۴. میر شریفی، علی (۱۳۸۹). در سنامه آشنایی با تاریخ پیامبر اسلام، ج ۱. تهران:

مشعر.

۱۵. واقدی، محمد بن سعد (۱۳۷۴) طبقات، ج ۲. محمود مهدوی دامغانی مترجم. تهران: فرهنگ و اندیشه اسلامی
۱۶. هارجی، اون، کریستین سانداز و دیوید دیکسون (۱۹۹۴). مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی. ترجمه: مهرداد فیروز بخت و خشایار بیگی (۱۳۹۰). تهران: نشر رشد.
۱۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی، جلد دوم. ترجمه: محمد ابراهیم آیتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

نابع خارجی

۱۸. التفتازانی، سعدالدین (۱۳۸۳). عنصرالمعانی. بیروت: دارالفکر.
۱۹. حلبی، علی بن ابراهیم (۲۰۰۶). السیرة الحلبیة. بیروت: دارالکتب العلمیه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی